

شرق؛ سازنده جنجالی‌ترین فیلم اجتماعی سال ۸۹ صدای آرام و باطن‌آینهای دارد؛ محسن امیریوسفی که نامش با سینمای ممنوع‌شده و محدودشده عجین است، در پرونده سینمایی‌اش فیلم آتشکار را نوشته و کارگردانی کرده که با رویکرد طنز به موضوع «واژگنومی» می‌پردازد. حالا بعد از چند سال از آن روزهای پردغدغه که فیلمش بالاخره روی پرده سینما را به خود دید، با او به گفت‌وگو نشستیم تا بیش از آنکه درباره «آتشکار» و حواشی بدش بگوید، درباره تأثیر این فیلم روی یکی از تابوترین مسائل روز جامعه حرف بزند.

آیا ایده ساخت فیلمی درباره واژگنومی براساس اتفاقات روز جامعه بود یا دغدغه شخصی با اصلا هیچ‌کدام؟

نه، چندان به شرایط ربطی نداشت. پدیده‌ای اجتماعی وارد جامعه شده بود، هزاران نفر آن را استفاده کرده بودند، یعنی تحت عمل واژگنومی قرار گرفته بودند اما هیچ حرفی از آن در جامعه زده نمی‌شد. این بود که به سراغش رفتم. راستش را بخواهید همیشه دوست داشتم‌ام به سراغ سوزه‌هایی بروم که تابه‌حال کسی سراغشان نرفته و حتی فیلم‌های بعدی‌ام هم به‌نوعی همین‌طور است.

بله و نه! پنهان می‌کنند چون دوست ندارند راجع به آن حرف بزنند اما

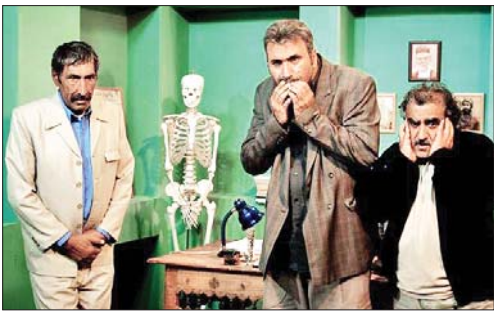
پنهان نمی‌شود چون بالاخره مراکزی در سطح شهرها هستند که رویشان تابلو قرار دارد و هر کسی که وارد ساختمانشان می‌شود؛ می‌داند برای چه اینجاست و دیگران هم می‌دانند.

آل‌بته خود واژگنومی با وجود همه تبلیغاتی که دوره‌ای خاص روی آن شد، تابلو به حساب می‌آمد، این‌طور نیست؟

جالب هم همین بود. ما تحقیقات گسترده‌ای درباره واژگنومی انجام دادیم، یعنی تقریباً منبع و تحقیقی نبود که مطالعه نکنیم. من حتی فکرش را هم نمی‌کردم که این عمل در شهرستان‌ها و به‌ویژه شهرهای مذهبی این‌قدر پرطرفدار باشد. آمارها خیلی بالا بود آن زمان، اما الان باید آمارهای

محسن امیریوسفی و خاطره‌هایش از ساخت واکران «آتشکار»

یک راز مردانه که تابو نبود



تازه را پیدا کنید.

آل‌الان که فعلا خبر داغ، تعطیلی این مراکز است؟

می‌شد پیش‌بینی کرد. اما ای کاش این کار به شکل دقیق‌تری انجام می‌شد. یعنی می‌رفتند و جامعه هدف واژگنومی را مورد مطالعه قرار می‌دادند. اولین شرط واژگنومی داشتن لاقال دو بچه است. خب، کسی که ۳۰وخرده‌ای سال از عمرش رفته، دو بچه هم دارد و حلا می‌خواهد واژگنومی کند، دیگر به بچه‌دارشدن فکر نمی‌کند. پس اگر این مراکز تعطیل شده باشند یا مردم می‌روند سراغ جراح‌های خصوصی و اگر پولش را نداشته باشند، روش دیگری را انتخاب می‌کنند. این‌طور نیست با بسته‌شدن این مراکز، چنین افرادی به فکر بچه‌دارشدن بیفتند.

آل‌ معلوم است برای ساخت «آتشکار» حسابی تحقیق کرده بودید؟

طبیعی است. کار، یک کار طنز بود و باید سوزه به پختگی می‌رسید که قالیشر را می‌پذیرفت. تحقیقات هم اتفاقا ما را با مردهائی آشنا کرد که دنبال این عمل بودند که ما اسمش را یک راز مردانه گذاشتیم و همین شعار فیلم شد. در تحقیقات فهمیدیم مخاطبان این عمل، از همه قشر و همه بخش‌های جامعه هستند. به‌همین‌دلیل هم نمی‌شود گفت تابو، شاید واژگنومی فقط در



گرانی محافظ بهداشتی، معتادان، زنان ویژه و بیماران را تهدید می‌کند

نگرانی از گرانی

سعید برآبادی

خرید این محصول را از داروخانه داشته باشد می‌تواند با سفارش اینترنتی آن، بدون مواجهه با نسخه‌پیچ‌ها، آن را خریداری کند. در ازای این تغییر در الگوی خرید، قیمت هر بسته سه‌قطعه‌ای، از ۵۰۰ تومان به حدود پنج‌هزارتومان افزایش یافته و از سوی دیگر انواع موضوع نشان‌دهنده این واقعیت است که هیچ نظارتی روی اجناسی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند وجود ندارد، پس حالا که پای کالایی با ضرورت‌های بهداشتی در میان می‌آید، نگرانی در این مورد بیشترویشتر می‌شود. آمارهای سال ۹۳ به گفته حریری نشان می‌دهد که در مقابل عدد ۲۰ میلیارددلار قاچاق، تجارت ایرانی فقط پنج میلیارددلار جنس را به صورت قانونی وارد کشور کرده‌اند بنابراین اگر وسیله‌ای را از داروخانه‌ها می‌خرید، هولوگرام استاندارد و نظارت دارد لابد جزء همین دسته اقلیت محسوب می‌شود.

پس گرانی از کجا ناشی می‌شود؟
تجار معتقدند که گران شدن ارز دلیل اصلی این گرانی است: «زمانی بود که این محصول بهداشتی به صورت رایگان توزیع می‌شد و در دسترس افراد قرار می‌گرفت، اما حالا که حمایت‌های ارزی هزارو ۲۶ تومانی پرداخته شده و دلار سه‌هزارو ۵۰۰ تومان است، واردکننده و قاچاقچی ترجیح می‌دهند از اقلامی چون دستکش پزشکی که آنها هم از لاتکس ساخته می‌شوند انتخاب و وارد کند». اگرچه به گفته این کارشناس اقتصادی اصل‌ترین مقصر گرانی کاندوم، ازمان‌رفتن حمایت‌های سوبسیدی دولت در این زمینه است اما فروشندگان و برخی از واردکنندگان نظرات دیگری دارند.

تغییر در فرهنگ مصرف

در شش‌ماهه نخست سال ۹۱ یعنی درست تا قبل از آنکه وزارت بازرگانی مانع از ثبت سفارش واردات این کالا شود، نیم‌تن از این محصول به صورت قانونی و با تعرفه گمرکی ۴۰ میلیون و ۱۴۱ هزار، وارد کشور شده که میزان کمی آن را زمانی در خواهید یافت که بدانید در همان زمان نیم‌تن قلوه‌سنگ، نیم‌تن مارمولک و نیم‌تن لوازم آرایشی لب هم به کشور وارد شده است. اما سرانجام این محصول در سال‌های بعد چه شده است؟ واقعیت این است که گمرک‌های کشور از ورود قانونی خالی شده‌اند و در ازای آن بازار به طور کامل به دست قاچاقچیان افتاده تا جایی که برندهای معتبر این محصول بهداشتی را دیگر نمی‌توان در هر داروخانه‌ای سراغ گرفت. آنچه امروز داروخانه‌های کشور با آن مواجه هستند، میل گسترده درخواست برای خریدهای عجیب‌وغریب است و اگر کسی شرم

زاویه

بیان تابو باشد و به‌همین‌دلیل هم یک راز مردانه! (می‌خندد)
آل‌ ولی فیلم در دوره آقای احمدی‌نژاد بایکوت شد؛ درست در همان روزهایی که بحث افزایش جمعیت مطرح می‌شد. از اینکه سراغ چنین موضوعی رفتید، پشیمان نیستید؟
به‌هیچ‌عنوان. درست است فیلم مدتی توقیف شد و بعد با برخی اصلاحات به سینما رفت، اما درنهایت این کار انجام شد، من آدم خوشبینی هستم. به کار روی دغدغه‌های مردم، دغدغه‌هایی که شاید نتوانند خیلی راحت درباره‌اش حرف بزنند، علاقه‌مندم و البته همیشه هم ممکن است سر راه مواععی باشد.

آل یعنی توقیف فیلم با تأکید رئیس‌جمهور بسر افزایش جمعیت، ربطی نداشت؟
نمی‌توانم به مسئله این‌طور نگاه کنم. به‌هرحال مسئولان توقیف، مسئولان سینمایی بودند نه یک شخص خاص یا یک نوع نگاه خاص.
آل حالا که مراکز واژگنومی بسته شده‌اند، فکر می‌کنید باز هم بشود راجع به آنها فیلم ساخت؟

طبیعتاً من دیگر نمی‌سازم چون اولی نیستم (خنده). اما وقتی که در حوزه اجتماعی وارد می‌شویم، هر سوزو‌های به‌نظم می‌تواند پرداخت سینمایی هم داشته باشد.

آل ولی اغلب اهالی سینما از تن‌دادن به موضوعات اجتماعی بهریز می‌کنند و معتقدند رفتن به سراغ تابوها با مسائل اجتماعی روز جامعه، سطحی‌نگری است و گیشه خوبی هم ندارد، شما موقع ساخت آتشکار چطور فکر می‌کردید؟

مسئله اصلی اینجا بود که فکرش را هم نمی‌کردیم استقبال به این حد باشد. آتشکار یک فیلم است، یک نمونه از پرداختن سینما به مقوله‌ای اجتماعی و نشان داد اگر حوزه‌های اجتماعی و آسیب‌هایش به‌درستی در مدیوم سینما عرضه شود، می‌تواند یکی از پرمخاطب‌ترین و البته تأثیرگذارترین تولیدات سینمایی باشد.

هستند و تنها راه پاک‌نگه‌داشتن آنها از ویروس اچ‌آی‌وی و دیگر ویروس‌های قابل‌جابه‌جایی، تحت مراقبت ویژه قراردادن روابط جنسی آنهاست. حال سؤال اینجاست که حذف حمایت‌های دولتی و کنارگذاشتن توزیع رایگان خودشان بازی می‌کردند و والدینی را که چه با هم و چه بی‌هم، غرق در دنیای مجازی موبایل با آیفونشان بودند. صحنه بسیار غم‌انگیزی بود…

ناخودآگاه آینده‌کودگانی که بی‌دغدغه مشغول بازی بودند را متصور شدم. آنها دیگر چقدر تنها خواهند بود؟ بسیاری از بچه‌ها را می‌دیدم که به سمت مادر و پدر می‌رفتند و باید لباسشان را می‌کشیدند تا توسط آنها دیده شوند. کودکانی را می‌دیدم که سعی داشتند توجه مادر یا پدرشان را به خود جلب کنند اما حاکثرن نمی‌د و حواس والدین به آنها جلب می‌شد و

این تصویر به علاوه پیش‌بینی آینده این کودکان و آینده فرزندان این کودکان، حالم را بد و بدتر کرد. آنها دیگر چقدر تنها خواهند بود…!؟

اخیراً در نشستی که در معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری برگزار شد، پرده از آمارهای تن‌فروشی پنهان در کشور برداشته شد و نگرانی‌ها را در مورد وضعیت این جمعیت اعلام کرد.

در این نشست به تحقیقاتی اشاره شد که استاد دانشگاه، سعید مدنی، مسئولیت آن را برعهده داشت و دکتر شادی‌طلب در نبود مدنی، نتایج هولناک آن را اعلام کرد. به گفته او، چیزی حدود ۷۵ درصد از این افراد حتی کلمه‌ای درباره ایدز نشنیده‌اند و از خطرات آن آگاهی ندارند. ۷۰ درصد از این جمع، گفته‌اند که مبتلایان به ایدز درمان‌شدنی نیستند و ۶۵ درصد، استفاده از وسیله پیشگیری را مانع ابتلا به ایدز می‌دانند. حال دو سؤال مطرح می‌شود، آیا می‌توان این اطمینان را داشت که ۶۵ درصد از این افراد لاقال در شهر بزرگی همچون تهران، از این محصول بهداشتی برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های مقاربتی بهره ببرند؟ پاسخ یافته‌های این تحقیق غم‌انگیز است: تمامی پاسخ‌دهندگان این تحقیق که درباره اهمیت وسیله پیشگیری اطلاع داشته‌اند به پرشگران اعلام کرده‌اند حاضرند در قبال دریافت پول بیشتر از این محصول بهداشتی استفاده نکنند!

ماجرا آتجا تلخ‌تر می‌شود که دریابیم، پژوهش مرکز تحقیقات ایدز در سال ۹۱ و ۹۲ نشان می‌دهد که لاقال در تهران ۵۰۰ زن معناد خیابانی برای تأمین مواد دست

به تن‌فروشی می‌زند که از میان این افراد، ابتلای حداقل دو نفر به ایدز، اثبات شده است. در نستی بزرگتر، مرکز تحقیقات ایدز معتقد است که ایدسی این بیماری در

ایران لاقال سه‌برابر رقم اعلام‌شده از سوی مراکز رسمی، یعنی حدود ۹۰ هزارنفر باشد، آیا سیاست‌هایی که به

بهباهی که استراتژی درست یعنی افزایش جمعیت، در کاستن از تعداد و افزودن بر مبلغ وسایل بهداشتی تلاش

می‌کنند، نگران آینده این ۹۰ هزارنفر در خصوصی‌ترین

مسائل زندگی‌شان نیستند؟

ایرانی‌ها و مسئله‌ای به نام وسیله پیشگیری

مواجهه ایرانی‌ها با محصولی بهداشتی که قرار بود روی خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌شان تأثیرگذار باشد، مواجهه‌ای عجیب بود. از ابتدای دهه ۶۰ که سیاست‌های کاهش جمعیت با به میدان گذاشتند، مراکز بهداشت خانواده، از شهرهای بزرگ تا روستاها دست‌به‌کار شدند که با مردم از محصولات ضدبارداری سخن بگویند؛ موضوع مورد توجه آن زمان کنترل جمعیت برای افزایش کیفی جمعیت ایران بود اما این اتفاق بعدها نگرانی‌هایی در درباره پیری جمعیت ایجاد کرد.
باین‌همه تا ابتدای سال ۹۱ فروش لوازم پیشگیری و قرص ضدبارداری با ارزان‌ترین قیمت‌ها صورت می‌گرفت و گاهی اوقات حتی به صورت رایگان توزیع می‌شد. تا آن زمان، معتادان و بیماران با یک سو و خانواده‌هایی که تمایلی به فرزندآوری نداشتند از سوی دیگر از این محصول بهداشتی استفاده می‌کردند و حتی می‌توانستند به رایگان آن را از مراکز بهداشتی دریافت کنند، همپای این وضعیت تقاضا، در حوزه عرضه نیز در ایران لاقال سه کارخانه کار تولید را برعهده داشتند اما از زمانی که ورق برگشت، بازار با دو شوک عمده مواجه شد: قیمت سرسام‌آور و کاهش جنس ایرانی. حالا اما به نظر می‌رسد هر نظارتی برای بررسی نتایج این تصمیم یک اشتباه است چراکه نتایج افزایش قیمت نه‌فقط فاصله‌گرفتن از جامعه‌ای سالم بلکه ایجاد فاصله با تدابیر اتخاذشده درخصوص افزایش کیفی جمعیت است، حال آنکه گرانی یا عدم استفاده از وسیله بهداشتی می‌تواند، از این روزگار کودکان فاصله با ابتلا به بیماری‌هایی چون ایدز و هپاتیت ناهموک برآید.

دیده‌بان

ترازوی تنهایی‌های جمعی!

کمیل روحانی

این روزها به هر مکان اجتماعی (از کوچه تا بزرگ) که قدم می‌گذارم، ناخودآگاه به یاد فیلم «او» ساخته اسپایک جونز با بازی درخشان خواکین فینیکس می‌افتم، مخصوصاً سکانسی که در آن لانگ‌شات انسان‌هایی را نشان می‌داد که با وجود درکنارهم‌بودن، در دنیای مجازی (و نه حتی فردی) خودشان غرق بودند و گوئی هر فرد در دنیای مجازی خودش محاصره شده بود. البته اسپایک جونز به نظر، سال‌های نسبتاً دورتری را متصور شده بود اما پیش‌بینی او به نظر زودتر از موعد مقرر در حال تحقق است. در این فیلم، سیستم‌عامل‌های شخصی هوشمند نه‌تنها پیشنهاددهنده مسائل روزانه بودند که حتی گاه به جای آدمی تصمیم می‌گرفتند و روابط انسان با انسان‌های دیگر را محدودتر می‌کردند. درست است که هنوز کاملاً تخیل ترازیک این فیلم تحقق پیدا نکرده ولی این روزها در مترو، میهمانی‌های خانوادگی و خلاصه همه مکان‌های جمعی سعی می‌کنم قاب باز انسان‌هایی را با بالا بینم که روزبه‌روز از هم دور و دورتر و تنها و تنها می‌شوند. چند روز پیش که به اتفاق همسر، دختر سه‌ساله‌مان را به محل بازی سرویشیده‌ای برده بودیم، صحنه غم‌انگیزی نظرم را جلب کرد.

صحنه‌ای که البته این‌ روزها دیگر عجیب و ناهنجار نیست و با تغییر در شکل و فرم برای همه ما آشناست. بچه‌هایی را می‌دیدم که برای خودشان بازی می‌کردند و والدینی را که چه با هم و چه بی‌هم، غرق در دنیای مجازی موبایل با آیفونشان بودند.

صحنه بسیار غم‌انگیزی بود…

ناخودآگاه آینده‌کودگانی که بی‌دغدغه مشغول بازی بودند را متصور شدم.

آنها دیگر چقدر تنها خواهند بود؟

بسیاری از بچه‌ها را می‌دیدم که به سمت مادر و پدر می‌رفتند و باید لباسشان را می‌کشیدند تا توسط آنها

دیده شوند. کودکانی را می‌دیدم که سعی داشتند توجه مادر یا پدرشان را

به خود جلب کنند اما حاکثرن نمی‌د و حواس والدین به آنها جلب می‌شد و

این تصویر به علاوه پیش‌بینی آینده این کودکان و آینده فرزندان این کودکان،

حالم را بد و بدتر کرد. آنها دیگر چقدر تنها خواهند بود…!؟

حالا اما به نظر می‌رسد هر نظارتی برای بررسی نتایج این تصمیم یک اشتباه است چراکه نتایج افزایش قیمت نه‌فقط فاصله‌گرفتن از جامعه‌ای سالم بلکه ایجاد فاصله با تدابیر اتخاذشده درخصوص افزایش کیفی جمعیت است، حال آنکه گرانی یا عدم استفاده از وسیله بهداشتی می‌تواند، از این روزگار کودکان فاصله با ابتلا به بیماری‌هایی چون ایدز و هپاتیت ناهموک برآید.

اخیراً در نشستی که در معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری برگزار شد، پرده از آمارهای تن‌فروشی پنهان در کشور برداشته شد و نگرانی‌ها را در مورد وضعیت این جمعیت اعلام کرد.

در این نشست به تحقیقاتی اشاره شد که استاد دانشگاه، سعید مدنی، مسئولیت آن را برعهده داشت و دکتر شادی‌طلب در نبود مدنی، نتایج هولناک آن را اعلام کرد. به گفته او، چیزی حدود ۷۵ درصد از این افراد حتی کلمه‌ای درباره ایدز نشنیده‌اند و از خطرات آن آگاهی ندارند. ۷۰ درصد از این جمع، گفته‌اند که مبتلایان به ایدز درمان‌شدنی نیستند و ۶۵ درصد، استفاده از وسیله پیشگیری را مانع ابتلا به ایدز می‌دانند. حال دو سؤال مطرح می‌شود، آیا می‌توان این اطمینان را داشت که ۶۵ درصد از این افراد لاقال در شهر بزرگی همچون تهران، از این محصول بهداشتی برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های مقاربتی بهره ببرند؟ پاسخ یافته‌های این تحقیق غم‌انگیز است: تمامی پاسخ‌دهندگان این تحقیق که درباره اهمیت وسیله پیشگیری اطلاع داشته‌اند به پرشگران اعلام کرده‌اند حاضرند در قبال دریافت پول بیشتر از این محصول بهداشتی استفاده نکنند!

ماجرا آتجا تلخ‌تر می‌شود که دریابیم، پژوهش مرکز تحقیقات ایدز در سال ۹۱ و ۹۲ نشان می‌دهد که لاقال در تهران ۵۰۰ زن معناد خیابانی برای تأمین مواد دست

به تن‌فروشی می‌زند که از میان این افراد، ابتلای حداقل دو نفر به ایدز، اثبات شده است. در نستی بزرگتر، مرکز تحقیقات ایدز معتقد است که ایدسی این بیماری در

ایران لاقال سه‌برابر رقم اعلام‌شده از سوی مراکز رسمی، یعنی حدود ۹۰ هزارنفر باشد، آیا سیاست‌هایی که به

بهباهی که استراتژی درست یعنی افزایش جمعیت، در کاستن از تعداد و افزودن بر مبلغ وسایل بهداشتی تلاش

می‌کنند، نگران آینده این ۹۰ هزارنفر در خصوصی‌ترین

مسائل زندگی‌شان نیستند؟

مواجهه ایرانی‌ها با محصولی بهداشتی که قرار بود روی خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌شان تأثیرگذار باشد، مواجهه‌ای عجیب بود. از ابتدای دهه ۶۰ که سیاست‌های کاهش جمعیت با به میدان گذاشتند، مراکز بهداشت خانواده، از شهرهای بزرگ تا روستاها دست‌به‌کار شدند که با مردم از محصولات ضدبارداری سخن بگویند؛ موضوع مورد توجه آن زمان کنترل جمعیت برای افزایش کیفی جمعیت ایران بود اما این اتفاق بعدها نگرانی‌هایی در درباره پیری جمعیت ایجاد کرد.
باین‌همه تا ابتدای سال ۹۱ فروش لوازم پیشگیری و قرص ضدبارداری با ارزان‌ترین قیمت‌ها صورت می‌گرفت و گاهی اوقات حتی به صورت رایگان توزیع می‌شد. تا آن زمان، معتادان و بیماران با یک سو و خانواده‌هایی که تمایلی به فرزندآوری نداشتند از سوی دیگر از این محصول بهداشتی استفاده می‌کردند و حتی می‌توانستند به رایگان آن را از مراکز بهداشتی دریافت کنند، همپای این وضعیت تقاضا، در حوزه عرضه نیز در ایران لاقال سه کارخانه کار تولید را برعهده داشتند اما از زمانی که ورق برگشت، بازار با دو شوک عمده مواجه شد: قیمت سرسام‌آور و کاهش جنس ایرانی. حالا اما به نظر می‌رسد هر نظارتی برای بررسی نتایج این تصمیم یک اشتباه است چراکه نتایج افزایش قیمت نه‌فقط فاصله‌گرفتن از جامعه‌ای سالم بلکه ایجاد فاصله با تدابیر اتخاذشده درخصوص افزایش کیفی جمعیت است، حال آنکه گرانی یا عدم استفاده از وسیله بهداشتی می‌تواند، از این روزگار کودکان فاصله با ابتلا به بیماری‌هایی چون ایدز و هپاتیت ناهموک برآید.

اخیراً در نشستی که در معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری برگزار شد، پرده از آمارهای تن‌فروشی پنهان در کشور برداشته شد و نگرانی‌ها را در مورد وضعیت این جمعیت اعلام کرد.

در این نشست به تحقیقاتی اشاره شد که استاد دانشگاه، سعید مدنی، مسئولیت آن را برعهده داشت و دکتر شادی‌طلب در نبود مدنی، نتایج هولناک آن را اعلام کرد. به گفته او، چیزی حدود ۷۵ درصد از این افراد حتی کلمه‌ای درباره ایدز نشنیده‌اند و از خطرات آن آگاهی ندارند. ۷۰ درصد از این جمع، گفته‌اند که مبتلایان به ایدز درمان‌شدنی نیستند و ۶۵ درصد، استفاده از وسیله پیشگیری را مانع ابتلا به ایدز می‌دانند. حال دو سؤال مطرح می‌شود، آیا می‌توان این اطمینان را داشت که ۶۵ درصد از این افراد لاقال در شهر بزرگی همچون تهران، از این محصول بهداشتی برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های مقاربتی بهره ببرند؟ پاسخ یافته‌های این تحقیق غم‌انگیز است: تمامی پاسخ‌دهندگان این تحقیق که درباره اهمیت وسیله پیشگیری اطلاع داشته‌اند به پرشگران اعلام کرده‌اند حاضرند در قبال دریافت پول بیشتر از این محصول بهداشتی استفاده نکنند!

ماجرا آتجا تلخ‌تر می‌شود که دریابیم، پژوهش مرکز تحقیقات ایدز در سال ۹۱ و ۹۲ نشان می‌دهد که لاقال در تهران ۵۰۰ زن معناد خیابانی برای تأمین مواد دست

به تن‌فروشی می‌زند که از میان این افراد، ابتلای حداقل دو نفر به ایدز، اثبات شده است. در نستی بزرگتر، مرکز تحقیقات ایدز معتقد است که ایدسی این بیماری در

ایران لاقال سه‌برابر رقم اعلام‌شده از سوی مراکز رسمی، یعنی حدود ۹۰ هزارنفر باشد، آیا سیاست‌هایی که به

بهباهی که استراتژی درست یعنی افزایش جمعیت، در کاستن از تعداد و افزودن بر مبلغ وسایل بهداشتی تلاش

می‌کنند، نگران آینده این ۹۰ هزارنفر در خصوصی‌ترین

مسائل زندگی‌شان نیستند؟

مواجهه ایرانی‌ها با محصولی بهداشتی که قرار بود روی خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌شان تأثیرگذار باشد، مواجهه‌ای عجیب بود. از ابتدای دهه ۶۰ که سیاست‌های کاهش جمعیت با به میدان گذاشتند، مراکز بهداشت خانواده، از شهرهای بزرگ تا روستاها دست‌به‌کار شدند که با مردم از محصولات ضدبارداری سخن بگویند؛ موضوع مورد توجه آن زمان کنترل جمعیت برای افزایش کیفی جمعیت ایران بود اما این اتفاق بعدها نگرانی‌هایی در درباره پیری جمعیت ایجاد کرد.
باین‌همه تا ابتدای سال ۹۱ فروش لوازم پیشگیری و قرص ضدبارداری با ارزان‌ترین قیمت‌ها صورت می‌گرفت و گاهی اوقات حتی به صورت رایگان توزیع می‌شد. تا آن زمان، معتادان و بیماران با یک سو و خانواده‌هایی که تمایلی به فرزندآوری نداشتند از سوی دیگر از این محصول بهداشتی استفاده می‌کردند و حتی می‌توانستند به رایگان آن را از مراکز بهداشتی دریافت کنند، همپای این وضعیت تقاضا، در حوزه عرضه نیز در ایران لاقال سه کارخانه کار تولید را برعهده داشتند اما از زمانی که ورق برگشت، بازار با دو شوک عمده مواجه شد: قیمت سرسام‌آور و کاهش جنس ایرانی. حالا اما به نظر می‌رسد هر نظارتی برای بررسی نتایج این تصمیم یک اشتباه است چراکه نتایج افزایش قیمت نه‌فقط فاصله‌گرفتن از جامعه‌ای سالم بلکه ایجاد فاصله با تدابیر اتخاذشده درخصوص افزایش کیفی جمعیت است، حال آنکه گرانی یا عدم استفاده از وسیله بهداشتی می‌تواند، از این روزگار کودکان فاصله با ابتلا به بیماری‌هایی چون ایدز و هپاتیت ناهموک برآید.

اخیراً در نشستی که در معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری برگزار شد، پرده از آمارهای تن‌فروشی پنهان در کشور برداشته شد و نگرانی‌ها را در مورد وضعیت این جمعیت اعلام کرد.

در این نشست به تحقیقاتی اشاره شد که استاد دانشگاه، سعید مدنی، مسئولیت آن را برعهده داشت و دکتر شادی‌طلب در نبود مدنی، نتایج هولناک آن را اعلام کرد. به گفته او، چیزی حدود ۷۵ درصد از این افراد حتی کلمه‌ای درباره ایدز نشنیده‌اند و از خطرات آن آگاهی ندارند. ۷۰ درصد از این جمع، گفته‌اند که مبتلایان به ایدز درمان‌شدنی نیستند و ۶۵ درصد، استفاده از وسیله پیشگیری را مانع ابتلا به ایدز می‌دانند. حال دو سؤال مطرح می‌شود، آیا می‌توان این اطمینان را داشت که ۶۵ درصد از این افراد لاقال در شهر بزرگی همچون تهران، از این محصول بهداشتی برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های مقاربتی بهره ببرند؟ پاسخ یافته‌های این تحقیق غم‌انگیز است: تمامی پاسخ‌دهندگان این تحقیق که درباره اهمیت وسیله پیشگیری اطلاع داشته‌اند به پرشگران اعلام کرده‌اند حاضرند در قبال دریافت پول بیشتر از این محصول بهداشتی استفاده نکنند!

ماجرا آتجا تلخ‌تر می‌شود که دریابیم، پژوهش مرکز تحقیقات ایدز در سال ۹۱ و ۹۲ نشان می‌دهد که لاقال در تهران ۵۰۰ زن معناد خیابانی برای تأمین مواد دست

به تن‌فروشی می‌زند که از میان این افراد، ابتلای حداقل دو نفر به ایدز، اثبات شده است. در نستی بزرگتر، مرکز تحقیقات ایدز معتقد است که ایدسی این بیماری در

ایران لاقال سه‌برابر رقم اعلام‌شده از سوی مراکز رسمی، یعنی حدود ۹۰ هزارنفر باشد، آیا سیاست‌هایی که به

بهباهی که استراتژی درست یعنی افزایش جمعیت، در کاستن از تعداد و افزودن بر مبلغ وسایل بهداشتی تلاش

می‌کنند، نگران آینده این ۹۰ هزارنفر در خصوصی‌ترین

مسائل زندگی‌شان نیستند؟

مواجهه ایرانی‌ها با محصولی بهداشتی که قرار بود روی خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌شان تأثیرگذار باشد، مواجهه‌ای عجیب بود. از ابتدای دهه ۶۰ که سیاست‌های کاهش جمعیت با به میدان گذاشتند، مراکز بهداشت خانواده، از شهرهای بزرگ تا روستاها دست‌به‌کار شدند که با مردم از محصولات ضدبارداری سخن بگویند؛ موضوع مورد توجه آن زمان کنترل جمعیت برای افزایش کیفی جمعیت ایران بود اما این اتفاق بعدها نگرانی‌هایی در درباره پیری جمعیت ایجاد کرد.
باین‌همه تا ابتدای سال ۹۱ فروش لوازم پیشگیری و قرص ضدبارداری با ارزان‌ترین قیمت‌ها صورت می‌گرفت و گاهی اوقات حتی به صورت رایگان توزیع می‌شد. تا آن زمان، معتادان و بیماران با یک سو و خانواده‌هایی که تمایلی به فرزندآوری نداشتند از سوی دیگر از این محصول بهداشتی استفاده می‌کردند و حتی می‌توانستند به رایگان آن را از مراکز بهداشتی دریافت کنند، همپای این وضعیت تقاضا، در حوزه عرضه نیز در ایران لاقال سه کارخانه کار تولید را برعهده داشتند اما از زمانی که ورق برگشت، بازار با دو شوک عمده مواجه شد: قیمت سرسام‌آور و کاهش جنس ایرانی. حالا اما به نظر می‌رسد هر نظارتی برای بررسی نتایج این تصمیم یک اشتباه است چراکه نتایج افزایش قیمت نه‌فقط فاصله‌گرفتن از جامعه‌ای سالم بلکه ایجاد فاصله با تدابیر اتخاذشده درخصوص افزایش کیفی جمعیت است، حال آنکه گرانی یا عدم استفاده از وسیله بهداشتی می‌تواند، از این روزگار کودکان فاصله با ابتلا به بیماری‌هایی چون ایدز و هپاتیت ناهموک برآید.

اخیراً در نشستی که در معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری برگزار شد، پرده از آمارهای تن‌فروشی پنهان در کشور برداشته شد و نگرانی‌ها را در مورد وضعیت این جمعیت اعلام کرد.

در این نشست به تحقیقاتی اشاره شد که استاد دانشگاه، سعید مدنی، مسئولیت آن را برعهده داشت و دکتر شادی‌طلب در نبود مدنی، نتایج هولناک آن را اعلام کرد. به گفته او، چیزی حدود ۷۵ درصد از این افراد حتی کلمه‌ای درباره ایدز نشنیده‌اند و از خطرات آن آگاهی ندارند. ۷۰ درصد از این جمع، گفته‌اند که مبتلایان به ایدز درمان‌شدنی نیستند و ۶۵ درصد، استفاده از وسیله پیشگیری را مانع ابتلا به ایدز می‌دانند. حال دو سؤال مطرح می‌شود، آیا می‌توان این اطمینان را داشت که ۶۵ درصد از این افراد لاقال در شهر بزرگی همچون تهران، از این محصول بهداشتی برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های مقاربتی بهره ببرند؟ پاسخ یافته‌های این تحقیق غم‌انگیز است: تمامی پاسخ‌دهندگان این تحقیق که درباره اهمیت وسیله پیشگیری اطلاع داشته‌اند به پرشگران اعلام کرده‌اند حاضرند در قبال دریافت پول بیشتر از این محصول بهداشتی استفاده نکنند!

ماجرا آتجا تلخ‌تر می‌شود که دریابیم، پژوهش مرکز تحقیقات ایدز در سال ۹۱ و ۹۲ نشان می‌دهد که لاقال در تهران ۵۰۰ زن معناد خیابانی برای تأمین مواد دست

به تن‌فروشی می‌زند که از میان این افراد، ابتلای حداقل دو نفر به ایدز، اثبات شده است. در نستی بزرگتر، مرکز تحقیقات ایدز معتقد است که ایدسی این بیماری در

ایران لاقال سه‌برابر رقم اعلام‌شده از سوی مراکز رسمی، یعنی حدود ۹۰ هزارنفر باشد، آیا سیاست‌هایی که به

بهباهی که استراتژی درست یعنی افزایش جمعیت، در کاستن از تعداد و افزودن بر مبلغ وسایل بهداشتی تلاش

می‌کنند، نگران آینده این ۹۰ هزارنفر در خصوصی‌ترین

مسائل زندگی‌شان نیستند؟

مواجهه ایرانی‌ها با محصولی بهداشتی که قرار بود روی خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌شان تأثیرگذار باشد، مواجهه‌ای عجیب بود. از ابتدای دهه ۶۰ که سیاست‌های کاهش جمعیت با به میدان گذاشتند، مراکز بهداشت خانواده، از شهرهای بزرگ تا روستاها دست‌به‌کار شدند که با مردم از محصولات ضدبارداری سخن بگویند؛ موضوع مورد توجه آن زمان کنترل جمعیت برای افزایش کیفی جمعیت ایران بود اما این اتفاق بعدها نگرانی‌هایی در درباره پیری جمعیت ایجاد کرد.
باین‌همه تا ابتدای سال ۹۱ فروش لوازم پیشگیری و قرص ضدبارداری با ارزان‌ترین قیمت‌ها صورت می‌گرفت و گاهی اوقات حتی به صورت رایگان توزیع می‌شد. تا آن زمان، معتادان و بیماران با یک سو و خانواده‌هایی که تمایلی به فرزندآوری نداشتند از سوی دیگر از این محصول بهداشتی استفاده می‌کردند و حتی می‌توانستند به رایگان آن را از مراکز بهداشتی دریافت کنند، همپای این وضعیت تقاضا، در حوزه عرضه نیز در ایران لاقال سه کارخانه کار تولید را برعهده داشتند اما از زمانی که ورق برگشت، بازار با دو شوک عمده مواجه شد: قیمت سرسام‌آور و کاهش جنس ایرانی. حالا اما به نظر می‌رسد هر نظارتی برای بررسی نتایج این تصمیم یک اشتباه است چراکه نتایج افزایش قیمت نه‌فقط فاصله‌گرفتن از جامعه‌ای سالم بلکه ایجاد فاصله با تدابیر اتخاذشده درخصوص افزایش کیفی جمعیت است، حال آنکه گرانی یا عدم استفاده از وسیله بهداشتی می‌تواند، از این روزگار کودکان فاصله با ابتلا به بیماری‌هایی چون ایدز و هپاتیت ناهموک برآید.

اخیراً در نشستی که در معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری برگزار شد، پرده از آمارهای تن‌فروشی پنهان در کشور برداشته شد و نگرانی‌ها را در مورد وضعیت این جمعیت اعلام کرد.

در این نشست به تحقیقاتی اشاره شد که استاد دانشگاه، سعید مدنی، مسئولیت آن را برعهده داشت و دکتر شادی‌طلب در نبود مدنی، نتایج هولناک آن را اعلام کرد. به گفته او، چیزی حدود ۷۵ درصد از این افراد حتی کلمه‌ای درباره ایدز نشنیده‌اند و از خطرات آن آگاهی ندارند. ۷۰ درصد از این جمع، گفته‌اند که مبتلایان به ایدز درمان‌شدنی نیستند و ۶۵ درصد، استفاده از وسیله پیشگیری را مانع ابتلا به ایدز می‌دانند. حال دو سؤال مطرح می‌شود، آیا می‌توان این اطمینان را داشت که ۶۵ درصد از این افراد لاقال در شهر بزرگی همچون تهران، از این محصول بهداشتی برای جلوگیری از انتقال بیماری‌های مقاربتی بهره ببرند؟ پاسخ یافته‌های این تحقیق غم‌انگیز است: تمامی پاسخ‌دهندگان این تحقیق که درباره اهمیت وسیله پیشگیری اطلاع داشته‌اند به پرشگران اعلام کرده‌اند حاضرند در قبال دریافت پول بیشتر از این محصول بهداشتی استفاده نکنند!

ماجرا آتجا تلخ‌تر می‌شود که دریابیم، پژوهش مرکز تحقیقات ایدز در سال ۹۱ و ۹۲ نشان می‌دهد که لاقال در تهران ۵۰۰ زن معناد خیابانی برای تأمین مواد دست

به تن‌فروشی می‌زند که از میان این افراد، ابتلای حداقل دو نفر به ایدز، اثبات شده است. در نستی بزرگتر، مرکز تحقیقات ایدز معتقد است که ایدسی این بیماری در

ایران لاقال سه‌برابر رقم اعلام‌شده از سوی مراکز رسمی، یعنی حدود ۹۰ هزارنفر باشد، آیا سیاست‌هایی که به

بهباهی که استراتژی درست یعنی افزایش جمعیت، در کاستن از تعداد و افزودن بر مبلغ وسایل بهداشتی تلاش

می‌کنند، نگران آینده این ۹۰ هزارنفر در خصوصی‌ترین

مسائل زندگی‌شان نیستند؟

مواجهه ایرانی‌ها با محصولی بهداشتی که قرار بود روی خصوصی‌ترین مسائل زندگی‌شان تأثیرگذار باشد، مواجهه‌ای عجیب بود. از ابتدای دهه ۶۰ که سیاست‌های کاهش جمعیت با به میدان گذاشتند، مراکز بهداشت خانواده، از شهرهای بزرگ تا روستاها دست‌به‌کار شدند که با مردم از محصولات ضدبارداری سخن بگویند؛ موضوع مورد توجه آن زمان کنترل جمعیت برای افزایش کیفی